



مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در عرصه سیاست خارجی

میر عزیز امینی* علی آقا صفری*

چکیده

حفظ عزت مسلمین از مهم‌ترین اهداف و ره‌آورد‌های انقلاب اسلامی بوده و در ضمن داشتن روابط فعال با دولت‌ها و ملت‌ها، عدم اعتماد به استکبار از سیاست‌های جمهوری اسلامی بوده و پایه‌ای سیاست خارجی خود را بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت مبتنی نموده است. رهبر انقلاب اسلامی هم در حوزه نظر و هم در حوزه عمل آن را تئوریزه نموده، به بیان شاخصه و ویژگی‌های سیاست خارجی پرداخته است. با توجه به اینکه جامعه اسلامی امروز با چالش فراوان در روابط خود با جهان روبرو است، ضروری است که مستندات قرآنی دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نگارندگان با مراجعه به آثار رهبری و آیات کلام وحی و دیدگاه مفسران و با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و مستندسازی دیدگاه رهبر انقلاب پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اسلام از داشتن روابط با کشورها غیر محارب و غیر متخاصم منع نکرده، بلکه استقبال نموده است. همچنین از بررسی آیات کلام وحی به دست آمد که مرزبندی با دشمن و عدم اعتماد به آن و نیز حمایت از ملت‌های مسلمان و مستضعف وظیفه‌ی حکومت اسلامی است و همان‌طور از آیات قرآن بدست می‌آید، که عدم سازش با استکبار و مقابله با آن از مسلمات سیاست خارجی اسلام است که مقام معظم رهبری در بیانات و سخنرانی‌های مختلف خود طی سالیان ممتد به آن اشاره نموده و الگویی عملی از سیاست خارجی اسلامی را نیز به نمایش گذاشته‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن، مستندات قرآنی، مقام معظم رهبری، سیاست خارجی، بیانیه گام

دوم.

*. دانش‌پژوه دکتری فقه و حقوق (گرایش جزا و جرم‌شناسی) جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی فقه،

نویسنده مسئول: mamini2793@gmail.com

*. استادیار جامعه المصطفی العالمیه: a.a.safari1364@gmail.com

مقدمه

بحث سیاست خارجی از مهم‌ترین مباحث در عرصه‌ی سیاست‌گذاری کشورها است، جمهوری اسلامی ایران از ابتدایی تشکیل آن با اتخاذ سیاست نه شرقی و نه غربی و مبتنی نمودن سیاست خارجی خویش بر سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، چارچوب آن را مشخص نمود و نشان داد که در پی قطع روابط به جهان نیست. ولی روابط با دیگر کشورها به معنای پذیرش سلطه و سیطره‌ی سلطه‌گران و سیطره جویان نیست. نظام اسلامی در سیاست خارجی خود به دنبال احیای عزت از دست رفته‌ی مسلمانان است.

علاوه بر این چون سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران بر گرفته از قرآن و سنت است، دفاع از مستضعفین را از اولویت‌های خود می‌داند. در اصل (۱۵۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب استوار است». چنانچه ملاحظه می‌شود در این اصل چند امر مهم از جمله دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و داشتن رابطه‌ی صلح‌آمیز متقابل با کشورهای غیر محارب به‌عنوان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده است.

در اصل (۱۵۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم می‌شناسد. بنابراین در عین خودداری کامل از دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه‌ی حق طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه‌ی از



جهان حمایت می‌کند». برابر این اصل جمهوری اسلامی ضمن اینکه مداخله در امور داخلی دیگران بر نمی‌تابد، حمایت از مبارزه حق طلبانه‌ی مستضعفان جهان را حق خود می‌داند.

رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی که سکاندار نظام اسلامی است و بعد از رحلت بنیان‌گذار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران امام خمینی (ره)، رهبری نظام و امت اسلامی بر عهده‌ی ایشان گذاشته شد، به سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی تأکید داشته و اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی را غیر قابل تغییر می‌داند. و بر حمایت از مستضعفان جهان و نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری اصرار دارند. چنانچه در بیانات ایشان آمده است که «در امر سیاست خارجی، اصول اعلام شده‌ی جمهوری اسلامی و تأکید بر عناوین عزت، حکمت و مصلحت مورد توجه قرار گیرد». (پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهاد دولت، ۱۳۷۸/۱/۱۹). ایشان می‌فرمایند: «ثبات در سیاست خارجی بر اساس اصول: عزت، حکمت و مصلحت و تعقیب هدف‌های زیر: گسترش همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی و ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم، بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی، مقابله به افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی، تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان، مقابله با تک‌قطبی شدن جهان، حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف، تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی و تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل». (ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸/۲/۳۰).

رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران توجه نموده و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را مبتنی بر سه اصل عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن دانسته‌اند. بنابراین در این مقاله دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی به آیات قرآن کریم مستندسازی می‌شود.



مفهوم شناسی

الف) معنای سیاست

برای سیاست معانی مختلفی ذکر شده است که تا (۲۰۰) معنا بالغ می‌شود. ولی در این جا بطور مختصر به چند نمونه اشاره می‌شود و جهت طولانی شدن بحث از ذکر بقیه خودداری می‌گردد. در یک معنا سیاست عبارت است از، «مجموعه تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ می‌کند». خوب در اینجا مجموعه‌ی راه، روش و تدابیر حکومت برای اداره امور را سیاست نامیدند.

یا گفته شده است که «هر امری مربوط به دولت، مدیریت، تعیین شکل، مقاصد و چگونگی فعالیت دولت باشد از مقوله امور سیاسی است». (نگاه به مفهوم سیاست، ۲۱/۱۳۷۸). معنای دوم هم از جهاتی بامعنای اول موافق است اگرچه از عبارت و الفاظ باهم فرق دارند. سیاست از نظر رهبر انقلاب نگاه به حرکت عمومی جامعه و تشخیص جهت حرکت جامعه است، چنانچه ایشان می‌فرماید: «معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرفدار زید و عمر باشد یا به‌عکس؛ سیاست، یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم، آیا به سمت هدف‌های داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدف‌ها دور می‌شویم». (دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

در جای دیگر رهبر انقلاب سیاست را اداره‌ی جامعه می‌دانند آنجا که می‌فرمایند: «سیاست، یعنی اداره‌ی درست جامعه؛ این جز دین است». (دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه، ۱۳۸۱/۵/۵). که معنای دومی را که رهبر انقلاب برای سیاست ذکر کردند، سیاست اسلامی است که در مقابل آن سیاست شیطانی است.



ب) تعریف سیاست خارجی

قبل از پرداختن به بیان دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی و مستندهای قرآنی آن، شایسته است که سیاست خارجی تعریف شود. تا موضوع بحث روشن باشد. برای سیاست خارجی معانی مختلف ذکر شده است و برخی برای آن دو است معنا ذکر نمودند، منتها ما در این جا به چند معنا که به مقصود ما نزدیک است اشاره می‌کنیم؛ زیرا این نوشتار گنجایش پرداختن به آنها را ندارد.

از جمله، معنای که برای سیاست خارجی ذکر شده است معنای ذیل است که گفته شده است: سیاست خارجی عبارت است از یک استراتژی یا یک رشته اعمال از پیش طرح ریزی شده توسط تصمیم‌گیرندگان حکومتی که مقصود آن دستیابی به اهدافی معین، در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌المللی است. (مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، ۱۳۵۸/۱۳۱-۱۳۲).

در این تعریف چند رکن برای سیاست خارجی ذکر شده است: یک اعمال از پیش طرح‌ریزی شده است، یعنی از قبل روی آن اعمال برنامه‌ریزی شده است. دوم هدف از این اعمال دستیابی به اهداف معین دانسته شده است. سوم این اهداف باید در چارچوب منافع ملی و در محیط بین‌الملل باشد، زیرا اگر در محیط بین‌الملل نباشد به آن سیاست خارجی صدق نمی‌کند. معنای دومی که برای سیاست خارجی گفته شده است، این می‌باشد که سیاست خارجی عبارت است از جهتی که یک دولت بر می‌گزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه‌ی نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی سیاست خارجی آن دولت می‌گویند. (تجزیه و تحلیل در تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، ۱۳۷۵/۱۴۵).

این معنا از سیاست با معنای اول حداقل در لفظ و عبارات به کار رفته متفاوت است، چون در معنای اول به اعمال از پیش طرح‌ریزی شده تعریف شد، در حالی که در معنای دوم



جهت و نگرش دولت نسبت به جامعه بین‌الملل سیاست خارجی قلمداد شده است. به نظر ما هر دو معنا درست است، چون بین آنها تضاد وجود ندارد که قابل جمع نباشند.

تبیین مستندات قرآنی دیدگاه مقام معظم رهبری در عرصه سیاست خارجی
رهبر انقلاب اسلامی با این که باید و نبایدهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تعیین می‌کنند و برای سیاست خارجی اهمیت زیاد قائل هستند، تعریف خاصی از سیاست خارجی ارائه نکرده‌اند؛ اما از بیانات و رهنمودها و هدایت‌گری‌های ایشان می‌توان دیدگاه ایشان در حوزه سیاست خارجی را فهمید و تعریف کرد.

۱- عزت ملی

از جمله مباحثی که رهبر انقلاب در سیاست خارجی در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب مطرح نموده‌اند عزت ملی است ایشان در تبیین عزت ملی در سیاست خارجی می‌فرمایند: «عزت ملی روابط خارجی و مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌های از اصل عزت، حکمت و مصلحت در روابط بین‌الملل‌اند». (بیانیه‌ی گام دوم).

بنابراین اصل عزت را که به‌عنوان شاخه‌ای از سه اصل عزت، حکمت و مصلحت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح است، رهبر انقلاب از ارکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌داند و معتقدند که عزت ملی در سیاست خارجی حفظ شود.

ایشان می‌فرمایند: «ما بر اساس عزت اسلامی، عزت توحیدی و عزت ملت خود حرکت می‌کنیم». (دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸). رهبر انقلاب بر اساس این بیانات مبنای حرکت خود را عزت اسلامی، توحیدی و عزت مردم می‌دانند.

در بیانیه‌ی گام دوم آمده است: «از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضوع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. و در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست



و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت». (بیانه‌ی گام دوم). خوب رهبر انقلاب تهدیدهای دشمنان را پوچ می‌داند و به دولت مردان تأکید می‌کند که در همه عزت کشور و ملت را لحاظ کنند. به هر صورت رهبر حکیم انقلاب بر حفظ عزت ملی اصرار دارند که این خواسته‌ی اسلام و قرآن است. قرآن به مسلمین دستور می‌دهد که «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (آل عمران/۱۳۵).

در این آیه مؤمنین برتر دانسته شده‌اند و برای برتری آنها خداوند از ضعف و سستی و اندوه آنها را نهی فرموده است. رهبر انقلاب هم می‌فرماید: در سیاست خارجی از خود ضعف نشان ندهید و کاری نکنید که عامل ذلت مسلمانان شود.

اگرچه این آیه در مورد جنگ با کفار است ولی اولاً مورد مخصوص نیست. دوم، دیپلماسی در سیاست خارجی هم جهاد است، چنانچه در این مورد رهبر انقلاب می‌فرماید: «میدان دیپلماسی، میدان یک نبرد واقعی است، منتها نبردی که پشت میز و با لبخند و با گفتن صبح بخیر و شب بخیر انجام می‌گیرد!...». (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۴/۱۹).

در جای دیگر می‌گوید: «دیپلماسی یک جنگ است، شما آن را به خوبی می‌دانید و آن را مثل جنگ‌های نظامی و برخوردهای اقتصادی که تاکتیک و عقب‌نشینی حمله و جابجایی و فریب جنگی دارد، لمس کرده‌اید، همه دیپلمات‌ها دنیا مشغول جنگند. ارزش تأثیر آن جنگ هم گاهی از جنگ‌های نظامی کمتر نیست، بلکه در مواردی هم بیشتر است، البته همیشه این‌گونه نیست. منظور من از جنگ یک مبارزه معمولی نیست که این کار همه دیپلمات‌هاست». (دیدار وزیر و مسئولان وزارت خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۶۸/۵/۳۱).

پس این آیه هر نوع مبارزه با دشمن را در بر می‌گیرد. بنابراین از جمله مستندات دیدگاه رهبری در مورد حفظ عزت ملی در سیاست خارجی این آیه است. و رهبر انقلاب در مورد امام



خمینی می‌فرمایند: همت امام که رهبر این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود، بر این گماشته شد که روح عزت ملی را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ ما می‌توانیم را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جایگزین کرد؛ این همان فرهنگ قرآنی است که فرمود: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (بیست و سومین سالگرد رحلت امام (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴).

از منظر رهبر انقلاب باور داشتن به این که ما هم می‌توانیم پیشرفت و توسعه داشته باشیم و توان دست رسی به علم و تکنولوژی را داریم و اعتقاد بر این که ما توان نداریم نشانه‌ی حقارت است. رهبر انقلاب در معنای عزت ملی می‌فرماید: «معنای عزت ملی این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به ذلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته، ذلیل شدن غیر از ضعیف بودن است. ممکن است کسی ضعیف باشد، اما ذلیل نباشد». (دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹). چنانچه خداوند در آیه‌ی مذکور از پذیرش سستی و ذلت منع می‌کند و ما را به دلیل ایمان به خدا برتر می‌داند، یعنی ما عزتمند هستیم.

در جای دیگر عزت ملی را این‌طور معنا می‌کنند «عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند، نقطه‌ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون، به سرمایه‌های خود، به تاریخ خود به موجودی انسانی و فکری خود، نگاه می‌کند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند». (دیدار مردم کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۲).

پس اولین بحث در سیاست خارجی جمهوری اسلامی از منظر رهبر انقلاب حفظ عزت ملی است و عزت ملی آن است که مسئولین در برخورد با دیگران به گونه‌ی رفتار کنند که

موجب ذلت اسلام و مسلمین نشود. این سیاست رهبر انقلاب برگرفته از آیات قرآن کریم است. «أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ». (مانده/۵۴).

در این آیه خداوند سبحان در توصیف مؤمنین می‌فرماید: در مقابل مؤمنین ذلیل هستند که کنایه از تواضع آنها در برابر یکدیگر است. در برابر کفار عزتمند هستند که دقیقاً سخن رهبری هم برگرفته از همین آیه و آیات دیگر است. اینکه رهبر انقلاب می‌فرماید: در روابط بین الملل عزت ملی حفظ شود، مضمون این آیه و دیگر آیات قرآن کریم است؛ زیرا قرآن مسلمین را از پذیرش ذلت بر حذر داشته است.

در فرهنگ و منطق قرآن عزت از آن خدا، رسول خدا و مؤمنین است، ادعای عزت در غیر خدا، رسول و مؤمنین از روی جهل است «يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ». (منافقون / ۸).

در این آیه منافقین ادعای عزت دارند و مسلمانان را ذلیل می‌دانند، چون می‌گویند: عزتمندان افراد ذلیل را از مدینه اخراج می‌کنند که مراد از عزتمندان منافقان و از اهل ذلت مسلمین هستند، اما خدا می‌فرماید: عزت از آن خدا، رسول خدا و مؤمنین است، اما منافقان جاهل هستند خداوند عزیز دانستن منافقان و ذلیل خواندن مسلمانان از جانب منافقین را دلیل جهل آنها می‌داند.

در جای دیگر خداوند عزت را مخصوص خدا می‌داند و می‌فرماید: کسانی که عزت را در دوستی با غیر مؤمنین می‌دانند، غیر مستقیم آن را نفی می‌کند و می‌فرماید: عزت به یک‌باره از آن خدا است. «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيْبَتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا». (نساء / ۱۳۹). کسانی که کفار را دوست انتخاب می‌کنند آیا از دوستی با کفار عزت را خواهان هستند، پس عزت به یک‌باره از آن خدا است. عزت مال خدا است اگر کسی به دنبال عزت است آن را باید از خدا و در ارتباط با خدا بخواهد.



پس حفظ عزت مسلمانان از سیاست خارجی اسلام و حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی کارگزاران آن در برخورد با بیگانگان، وظیفه دارند که از عزت اسلام و مسلمین پاسداری کنند. رهبر انقلاب با توجه آیات قرآن بر حفظ عزت مسلمانان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند.

۲- روابط خارجی

رهبر انقلاب در بیان‌های گام دوم به داشتن روابط خارجی اشاره نموده است. چنانچه به آن اشاره شد.

ایشان در جای دیگر در مورد روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌فرمایند: «هیچ محدودیتی در چارچوب اصول برای ما در سیاست خارجی وجود ندارد». چنانچه ملاحظه می‌شود که رهبر انقلاب برای داشتن روابط خارجی در سیاست خارجی جمهوری اسلام ایران محدودیت قایل نیستند.

البته این روابط از منظر رهبر انقلاب در چارچوب اصول جمهوری اسلامی ایران مجاز است که از جمله اصول پذیرفته شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی استکبارستیزی و زیر بار زور نرفتن است. چنانچه در ادامه بیان فوق رهبر انقلاب می‌فرمایند: «ما هیچ گردن کلفتی و ژست ابرقدرتی را از هیچ کس قبول نمی‌کنیم. هر کس بخواهد برخورد قلدر مآب ابر قدرتی با ما حرف بزند، ما حرف او را به خودش بر می‌گردانیم» (۱۳۶۶/۲/۱۸).

در جای دیگری رهبر انقلاب می‌فرمایند: «ما راه تعامل و مذاکره و تبادل نظر و نشست و برخاست و معامله با هیچ کشوری در دنیا را جز همین رژیم صهیونیستی و آمریکا نسبتیم». (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۷/۴).



پس رهبر انقلاب معتقدند به داشت رابطه‌ی فعال با کشورهای جهان به جز آمریکا به دلیلی داشتن روحیه‌ای استکباری و رژیم‌ی صهیونیستی به خاطر تجاوز بر ملت مظلوم فلسطین و غصب سرزمین‌های اسلامی هست.

۳- مرزبندی با دشمن

از جمله موارد مطرح شده از جانب رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی مرزبندی با دشمن است. رهبر انقلاب در مورد مرزبندی با دشمن می‌گوید: «مرزبندی با دشمن به معنای این نیست که ما رابطه‌مان را قطع کنیم؛ توجه بکنید، مغالطه نکنند که شما می‌گویید: ما با همه‌ی دنیا دشمنیم؛ نه، مرزبندی کنید، مرزها مخلوط نشود». (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵).

«جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست؛ اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی با رقیبان بشدت حساس است. با خطوطی اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند؟». (بیانه‌ی گام دوم، ۱۳۹۷).

مرزبندی با دشمن از منظر رهبر انقلاب عامل مصونیت نظام و انقلاب در مقابل جنگ نرم با دشمن است و ایشان باور دارند که غفلت از مرزبندی با دشمن موجب نفوذ، خدعه و تسلط دشمنان بر محیط‌های مجازی و فرهنگی است.

رهبر حکیم انقلاب می‌فرمایند: «یک مسئله‌ی دیگر که باز این را هم عرض کنیم، مرزبندی با دشمن برای مصونیت از تهاجم نرم است. یکی از کارهای بسیار لازم همین که ما نگذاریم مرزمان با دشمن کم رنگ بشود. اگر مرزبندی با دشمن نبود و مرز، برجسته نبود، عبور از این مرز چه از این طرف به آن طرف، چه از آن طرف به این طرف، ممکن می‌شود،



درست مثل مرزهای جغرافیایی، اگر مرز جغرافیایی نباشد و برجسته نباشد، خب از آن طرف یک نفری بلند می‌شود، می‌آید اینجا نفوذ پیدا می‌کند؛ آدم قاچاقچی، آدم دزد، آدم جاسوس از آن طرف می‌آید این طرف، از این طرف هم یک آدم غافل، آدم خواب آلوده از مرز عبور می‌کند می‌رود آنجا گیر می‌افتد مرز اعتقادی و مرز سیاسی هم عیناً همین جور است؛ وقتی که مرز روشن نبود، دشمن می‌تواند نفوذ کند، می‌تواند خدعه کند، می‌تواند فریبنده عمل بکند، می‌تواند بر فضای مجازی مسلط بشود. اگر مرز با دشمن روشن بود، تسلط او بر فضای مجازی، بر محیط فرهنگی به این آسانی نخواهد بود». (دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳).

رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم خطاب به ملت ایران می‌فرماید: «دولت جمهوری اسلامی باید، مرزبندی خود با دشمن را با آنها با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلابی و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند، از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد». (بیانیه‌ی گام دوم).

در بیان رهبر انقلاب هم بر مرزبندی با دشمن تأکید شده است. پس از جمله مواردی که رهبر انقلاب آن را از سیاست خارجی نظامی اسلامی می‌دانند مرزبندی با دشمن است که این دیدگاه رهبر حکیم و فرزانه انقلاب هم مستند با آیات قرآن است که قرآن کریم حضرت ابراهیم و قوم ایشان را الگو برای مؤمنین معرفی می‌کند و دلیل الگو بودن ابراهیم و قوم او را این می‌داند که با دشمن مرزبندی داشتند و از قوم خودش برائت جستند. «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ. یعنی ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، بیزاریم. این معنای مرزبندی با دشمن است، سیاست ما حرکت ما بر مبنای توحید و خدامحوری است و به شما اقتدا نمی‌کنیم «كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ». کافر شدیم بشما، یعنی می‌گویند بایشان که ما انکار کردیم دین شما را و انکار کردیم معبود شما را و ظاهر شد بین ما و بین شما دشمنی و خصومت همیشگی، پس میان ما موالاتی در دین نمی‌باشد.

در صدر سوره‌ی ممتحنه آمده است که «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمُؤَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ». ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند.

این آیات سیاست خارجی اسلام را بیان می‌کنند و اینکه رهبر انقلاب به مرزبندی با دشمن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارند برگرفته از این آیات است. قابل یادآوری است که آیات زیادی بر مرزبندی با دشمن دلالت دارند ولی به جهت عدم گنجایش این نوشتار از ذکر آنها صرف نظر می‌شود.

۴- عدم اعتماد به دشمن

رهبر انقلاب معتقدند که در سیاست خارجی اعتماد به دشمن خطا است، دشمن اهل نیرنگ و خدعه و فریب است. چنانچه ایشان می‌فرمایند: «به ظالم اعتماد نکنید. نتیجه‌ی اعتماد کردن به ظالم همین می‌شود که شما می‌بینید دولت‌های مسلمان، مجموعه‌های اسلامی به ظالم‌ترین عناصر عالم اعتماد می‌کنند و نتیجه‌اش را دارند مشاهده می‌کنند و می‌بینند». (سخنرانی تلویزیونی در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۲/۶).

در جای دیگری فرمودند: «هر ملت و دولتی به آمریکا اعتماد کند ضربه خواهد خورد حتی اگر از دوستان آمریکا باشد، تصریح کردند: توصیه‌ی قبلی خود را یک بار دیگر تکرار می‌کنم؛ نباید به دشمنی که لبخند می‌زند، اعتماد کرد». (دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/آبان/۱۲).

«این توصیه‌ی قبلی خودمان را بازهم تکرار می‌کنیم: به دشمنی که لبخند می‌زند، اعتماد نکنید؛ این را ما به مسئولینمان، به بچه‌های خودمان، فرزندان خودمان، این‌هایی که در مسئله‌ی



دیپلماسی مشغول کار هستند، بچه‌های ما، جوان‌های خود ما، توصیه می‌کنم، توصیه‌ی ما به این‌ها این است: مراقب باشید، لبخند فریب‌گرانه شما را دچار اشتباه نکنند، دچار خطا نکنند؛ ریزه‌کاری‌های کار دشمن را ببینید». در ابتدای دولت یازدهم، ۱۳۹۲/۸/۱۲). به هر صورت از سیاست‌های رهبر انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عدم اعتماد به دشمن است که بارها و بطور مکرر رهبر انقلاب آن را تبیین نمودند.

رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم می‌فرماید: «سردمداران نظام سلطه نگراند، پیشنهادهای آنها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند». (بیانیه‌ی گام دوم). خوب همچنانکه مشاهده می‌شود رهبر انقلاب در این بیان زیبا که بخشی از بیانیه‌ی گام دوم انقلاب است عدم اعتماد ملت ایران به آمریکا و اروپا را به دلیل فریب‌کاری و نیرنگ‌بازی آنها می‌داند.

در قرآن کریم آیات زیادی دلالت بر عدم اعتماد به دشمن دارند که به چند نمونه اشاره می‌شود «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَنْ دُونَكُمْ لَا یَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وُدُّوْا مَا عٰتٰتُمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ اَفْواهِهِمْ وَا مَا تُخْفِی صُدُوْرُهُمْ اَكْبَرُ». (آل عمران / ۱۱۸). در این آیه خداوند مؤمنین را مخاطب قرار داده است و از آنها می‌خواهد که دشمنان خویش را مورد اعتماد قرار ندهند و به آنها مشورت نکنند، چون از هیچ خیانتی در مورد شما دریغ نخواهند نمود، دوست دارند که شما را در رنج ببینند و گاهی آثار کینه و دشمنی از دهان آنها ظاهر و آشکار می‌شود و آنچه در سینه‌های پنهان می‌کنند بزرگ‌تر است. این آیه به روشنی بر عدم اعتماد به دشمن و دلایل آن دلالت دارد که بر اهل خرد و اندیشه آشکار است.

رهبر انقلاب بعنوان یک فقیه و اسلام‌شان به درستی این آیات را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبیین نموده و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر این



نمودند و مستند سخنان ایشان در عدم اعتماد به لبخند دشمن این آیات است که تجزیه و تحلیل بیشتر آنها در توان این مقاله نیست. «وَ إِذَا لَقَوْكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْعَضُوا عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْعَيْظِ». (آل عمران / ۱۱۹).

دشمن وقتی با شما صحبت می‌کند لبخند می‌زند و سخنان شما را تصدیق می‌کند ولی فریب این تصدیق و لبخند را نخورد و به آن اعتماد نکنید، وقتی خلوت می‌کنند و از شما دور می‌شوند از قهر و غضب انگشتان شان را می‌گزند آیا دلالت این بر عدم اعتماد به دشمن جای تردید باقی می‌گذارد؟ آیا اینکه رهبر انقلاب بر عدم اعتماد به دشمن را در سیاست خارجی تأکید می‌کنند برگرفته از این آیات نیست؟ آیا در اینکه مستند سخنان رهبر انقلاب در مورد عدم اعتماد به لبخند دشمن مستند به این آیه‌ی قرآن نیست؟ «إِنْ تَسْأَلْكُمْ حَسَنَةً تَسْأَلْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا». (آل عمران / ۱۲۰). دشمن خوبی شما را نمی‌خواهد بلکه از رنج و مشقت شما خوشحال است. فریب شعارهای غرب به خصوص آمریکا را نخورید، آمریکا خیرخواه شما نیست. این سخن خدا است.

پس فرموده‌ی رهبر انقلاب مبنی بر عدم اعتماد به دشمن مستند به آیات قرآن کریم است. «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ». (هود / ۱۱۳). در این آیه خداوند متعال بر عدم اعتماد به دشمن تصریح نموده است و نتیجه اعتماد به دشمن را جز ضرر و زیان چیزی دیگری نمی‌داند، چنانچه رهبر انقلاب فرمودند: «هر ملت و دولتی به آمریکا اعتماد کند ضربه خواهد خورد، حتی اگر از دوستان آمریکا باشد». (دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۲ / آبان / ۱۳۹۲).

قرآن: هم می‌فرماید: نتیجه‌ی اعتماد به ظالم آتش است. بحث عدم اعتماد به دشمن را در سیاست خارجی در همین جا به پایان می‌بریم؛ زیرا گنجایش بیش از این در این نوشتار وجود ندارد.



۵- پرهیز از تشنج در روابط با کشورها غیر متخاصم

رهبر انقلاب بر پرهیز از تشنج در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای غیر متخاصم تأکید دارند، چنانچه در ذیل بندی (۳۱) از سیاست‌های کلی نظام ابلاغی رهبر انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ثبات در سیاست خارجی بر اساس اصول: عزت، حکمت و مصلحت و تعقیب هدف‌های زیر: گسترش همکاری‌های دو جانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی. ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم».

رهبر ضمن اینکه معتقدند، ثبات در سیاست خارجی بر اساس سه اصل مذکور باشد، اهدافی را در سیاست خارجی پیگیری نمود که از جمله‌ی این اهداف دوری کردن از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم است. «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ». (عنکبوت/۴۶).

البته این آیه در مورد صحبت و گفتگو با اهل کتاب است ولی می‌شود از آن پرهیز از تشنج را در روابط دولت‌های غیر متخاصم استفاده نمود؛ زیرا در همین آیه جدال احسن با ظالمین از اهل کتاب را استثنا می‌کند و با اهل کتاب جدال احسن داشته باشید، مگر ستمکاران آنها که جدال احسن با آنها را شایسته نمی‌داند. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ». (ممتحنه/ ۸).

رهبر انقلاب در تفسیر این آیه می‌فرمایند: «جهاد در اسلام برای تحمیل عقیده نیست، برای مبارزه با کسانی است که انسان‌ها را به بردگی می‌کشند، جهاد اسلام جنگ با ملت‌ها نیست؛ بلکه جنگ با قدرت‌های ستمگر و ظالم است... در ادامه می‌فرمایند: این دستور قرآن است با کفار، با کسانی که با شما هم عقیده نیستند، اما به شما تجاوز نکردند؛ تعرض نکردند، تعدی نکردند؛ با شما ظالمانه برخورد نمی‌کنند، به اینها اعمال قسط کنید، نیکی کنید». (دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز، ۱۳۸۵/۶/۲۷).



خداوند متعال در این آیه داشتن روابط نیک و حسنه با کسانی را که به شما متخاصم ندارند، منع نمی‌کند. اگر کفار به جامعه‌ی اسلامی ضرر نمی‌رسانند و بر علیه مسلمین توطئه نمی‌کنند، خداوند از داشتن رابطه‌ی مسالمت‌آمیز با آنها شما را باز نداشته است.

به هر صورت این آیه از آیاتی است که بر پرهیز از تشنج با کشورهای غیر متخاصم دلالت می‌کند. در واقع این آیه بخشی از سیاست خارجی اسلام را تبیین می‌کند. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا». (انفال / ۶۱). «اگر آنها به ترک جنگ و آشتی کردن، تمایلی نشان دهند، تو هم تقاضای صلح را بپذیر و به آن متمایل باش و کار خود را بخدا واگذار». (مجمع‌البیان، ۲۵۲/۱۰/۱۳۶۰).

این آیه دلالت برداشتن روابط مسالمت‌آمیز و دوری از تشنج با افراد غیر متخاصم و کشورها غیر محارب دارد، چون می‌فرماید: در صورتی داشتن تمایل به صلح و آشتی از جانب کفار تو هم به آن تمایل داشته باش. پس اسلام از داشتن روابط حسنه با کفار نه تنها نهی نمی‌کند بلکه اگر آنها علاقمند باشند به داشتن روابط حسنه با مسلمین، اسلام هم به آن تشویق می‌کند و رهبر انقلاب هم به پرهیز از تشنج در روابط خارجی با کشورهای غیر متخاصم دستور می‌دهند و آن را از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌دانند که برگرفته از این آیات است.

رهبر انقلاب می‌فرماید: «آن کفاری که با شما مسئله و دعوا و سابقه‌ی سوئی ندارند و به شما ظلم نکردند و اخراجتان نکردند، شما می‌توانید با آنها ارتباط حسنه داشته باشید». (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

۶- حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف

یکی از مباحث ذیل بند (۳۱) سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبر انقلاب حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به‌ویژه ملت فلسطین است. از اصول مسلم و پذیرفته

شده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه رهبر انقلاب که بارها و در موارد گوناگون آن را مورد تأکید قرار داده‌اند حمایت و دفاع از مستضعفان جهان است. ایشان می‌فرمایند: «سیاست نه شرقی و نه غربی حمایت از مستضعفان و مظلومان، دفاع از وحدت و حرکت بزرگ امت اسلامی و فائق آمدن بر عوامل اختلاف و دوگانگی مسلمین در سطح جهان و مجاهدان... از خطوط اصلی برنامه‌های ماست». (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴). رهبر انقلاب در این بیانات چند چیز از جمله دفاع از مستضعفان و مظلومان جهان را از خطوط اصلی نظام می‌داند.

و در جای دیگر رهبر انقلاب می‌فرماید: «ما برای مقابله با توطئه‌های استکبار، نسبت به این کشور و این منطقه و همه‌ی ملت‌های مستضعف، وظایف و تکالیف بسیاری داریم که باید آن‌ها را انجام دهیم». (سالگرد قیام نوزدهم دی‌ماه، ۱۳۶۹/۱۰/۱۹).

چنانچه ملاحظه می‌شود رهبر حکیم انقلاب مقابله با توطئه استکبار نسبت به مردم ایران، منطقه و همه‌ی مستضعفان را از وظایف و تکالیف خود می‌داند. بازهم از بیانات رهبر انقلاب است که می‌فرماید: «آن اسلامی هم که طبقان مستضعف و محروم به آن امیدوار نشوند و دل ندهند، اسلام نیست. اسلامی که نتواند آرزوهای خفته و فرو کشته‌ی قشرهای مظلوم را در سطح دنیا نه فقط در سطح کشور خودمان، زنده و احیا کند، شک کند در این که این دین اسلام باشد». (سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰).

در پیام به حجاج بیت‌الله می‌فرماید: «از جمله خطاهای بزرگی که همیشه می‌شنفتیم، حالاهم گاهی از بعضی از زبان‌های بی‌مبالات نسبت به حقایق اسلامی صادر می‌شود، این است که حج را سیاسی نکنید! یعنی چه سیاسی نکنید؟ آنچه ما در حج لازم داریم از امور سیاسی، عین اسلام است؛ ... ما اگر در حج از ملت فلسطین یا مظلومین دنیای اسلام مثل مظلومین یمن و دیگران دفاع می‌کنیم و حمایت می‌کنیم، البته این یک سیاسی است اما سیاستی عین تعالیم



اسلامی، دفاع از مظلوم خودش یک فریضه است، یک واجب است، این واجب اتفاق می افتد. یا برائت از مشرکین؛ اگر چنانچه روی مسئله ای برائت تکیه می کنیم و اصرار می ورزیم و آن را انجام می دهیم که باید به بهترین وجهی ان شاء الله همه ساله انجام بگیرد، این به خاطر این است که یک فریضه ی اسلامی است...». دیدار کارگزاران حج، ۱۲/۴/۱۳۹۸).

چنانچه ملاحظه می شود رهبر انقلاب دفاع از مظلوم را واجب می داند و کسانی را که با دفاع از مظلومین و مستضعفین در ایام حج مخالفت می کنند، مورد عتاب قرار می دهد و معتقد است که انجام این امور در حج لازم است و مسائل سیاسی مطرح شده در ایام حج را عین دین می داند.

هرچند در این مورد سخن از رهبر انقلاب زیاد است ولی این نوشتار گنجایش همه ی سخنان رهبر انقلاب ندارد. آنچه در اینجا مهم است بیان مستندهای قرآنی دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

قرآن کریم حمایت از مظلومین و مستضعفین در برابر ستمگران و ظالمین را وظیفه ی مسلمانان می داند و از آنها می خواهد به دفاع از مظلوم به پا خاسته و آنها را مورد حمایت قرار دهند و در این مورد کوتاهی نکنند و با کلمه ی (مالکم) مسلمانان را مورد سرزنش قرار می دهد که چرا وقتی فریاد مستضعفین را شنیدید به یاری آنها برنخواستید؟ در این مورد بیان رسای علی (ع) دارند که در آخرین ساعات عمر شریف خویش از حمایت مظلوم و دشمنی با ظالم سخن راندند و خطاب به فرزندانش فرمودند: «وَكُونُوا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا». دشمن ظالم و یار مظلوم باشید (نهج البلاغه نامه ۴۷).

آنچه از اطلاق این عبارت بر می آید، این است که در دفاع از مظلوم و دشمنی با ظالم، مذهب، دین، قوم و جغرافیای مطرح نیست. در بیان قرآن کریم ملاک و معیار این است که ظلم نسبت کسی صورت گرفته باشد، در این صورت وظیفه ی همگانی ما است، حمایت از



ملت وظیفه‌ی هر مسلمان است و سیاست خارجی اسلامی بر دفاع از هر کسی است عنوان مظلوم و مستضعف بر آن اطلاق شود.

برای نمونه به یک آیه‌ی قرآن اشاره می‌شود «وَمَا لَكُمْ لَأْتِقَاتُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا». (نساء/۷۵). وقتی انسان این آیه را می‌خواند و احوال مسلمانان و دولت‌های اسلامی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، تنش می‌لرزد، چون تنها چیزی که برای آنها مهم نیست شنیدن فریاد مستضعفین است، دولت‌های اسلامی به جای یاری ملت مظلوم فلسطین برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی مسابقه دارند و افتخار می‌کنند که با استکبار جهانی متحد هستند.

در حالی که قرآن کریم می‌فرماید: چه شده است شما را و چه مانعی وجود دارد که در راه خدا و در راه نجات مستضعفان جهاد نمی‌کنید؟ در حالی که آنها طلب یاری و نصرت دارند. آیا این آیه مخصوص مسلمانان و مستضعفان صدر اسلام است؟ یا عام بوده و مستضعفان را در هر عصر و زمانی شامل است؟ آیا مسلمانانی که در مقابل تجاوز و تعدی رژیم صهیونیستی بر ملت مسلمان و مظلوم فلسطین سکوت کرده‌اند و یا حتی دست دوستی به سوی رژیم غاصب صهیونیستی دراز می‌کنند از مخاطبان مورد سرزنش در این آیه نیستند؟ و آیا جمله «و مالکم» چه مانع وجود دارد که به یاری مسلمانان مظلوم و مستضعف نمی‌شتابید، متوجه آنها نیست؟

علامه طباطبایی می‌گوید: «در این آیه شریفه تحریک و تهییجی است برای تمامی مؤمنین، چه آنهایی که ایمانشان خالص است و چه آنهایی که ایمانشان ضعیف و ناخالص است، اما آنهایی که ایمانشان خالص و دل‌هایشان پاک است، برای به حرکت در آمدنشان به سوی قتال همان یاد خدای عز و جل کافی است، تا برای اقامه حق، و لیبیک گفتن به ندای



پروردگارشان، و اجابت دعوت داعی او، به پا خیزند، و اما آنهایی که ایمانشان ناخالص است، اگر یاد خدا تکانشان داد که هیچ، و اگر یاد خدا کافی نبود این معنا تکانشان می‌دهد که اولاً این قتالشان قتال در راه خدا است، و ثانیاً قتال در راه نجات مشتی مردم ناتوان است، که به دست کفار استضعاف شده‌اند، و خلاصه کلام این که آیه شریفه به این دسته از مردم می‌فرماید اگر ایمان به خدایتان ضعیف است، حداقل غیرت و تعصب که دارید، و همین غیرت و تعصب اقتضا می‌کند از جای برخیزید و شر دشمن را از سر یک مشت زن و بچه و مردان ضعیف کوتاه کنید». (طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۴: ۴/ ۶۷۲).

و قابل توجه کسانی که بر سیاست جمهوری اسلامی ایران در دفاع از ملت مظلوم فلسطین و دیگر مستضعفان جهان خرده می‌گیرند، قرآن می‌فرماید چرا چه شده است شما را که در راه خدا. و در راه مستضعفان جنگ نمی‌کنید؟ آیا سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دفاع از مظلومین قابل ستایش است یا قابل نیکویش؟ بدون شک بر پیروان قرآن است که از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دفاع نموده و آن را ستایش کنند و سکوت کنند و یا دراز کنندگان دست دوستی به سوی ستمکاران را نیکویش نمایند، چون قرآن آن را نیکویش کرده است.

۷- استکبارستیزی و مقابله با افزون‌خواهی

از جمله مواردی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در بیانات رهبر انقلاب و در سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبر انقلاب، در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به آن پرداخته و تأکید شده است، استکبارستیزی، عدم سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی است، چنانچه در اصل (۱۵۲ و ۱۵۴) قانون اساسی آمده است و در مقدمه به آن اشاره گردید.



رهبر انقلاب می‌فرماید: «آنچه ما با آن مخالفیم، عبارت است از حاکمیت ظلم و طغیان و استکبار؛ آمریکا که می‌گوییم، یعنی این، مخصوص آمریکا هم نیست. امروز البته قلّه‌ی طغیان و استکبار و طاغوت، آمریکا است که در واقع در دست صهیونیست‌ها نه دولت صهیونیستی؛ در دست ثروتمندان و کمپانی دارهای صهیونیست، دارد می‌چرخد. هر کشور دیگری هم همین رفتار را داشته باشد، این طور است ما با هیچ ملّتی به عنوان ملّت مخالفتی نداریم؛ با هیچ نژادی، با هیچ ملّتی، ما با استکبار مخالفیم، با ظلم مخالفیم، با طغیان علیه ارزش‌های انسانی و الهی مخالفیم. امروز آمریکا مظهر اینها است؛ مظهر ظلم است، مظهر استکبار است، لذاست که در دنیا هم منفور است.» (دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۹).

همچنانکه ملاحظه می‌شود رهبر انقلاب دلیل مخالفت با آمریکا را ظلم و طغیان آن می‌داند و معتقد است که هرکسی ظلم کند ما با آن مخالف هستیم دلیل مخالفت آمریکایی بودن یا اروپایی بودن نیست، بلکه ظالم بودن است که آمریکا سبب آن است. در بیان دیگر ایشان آمده است:

«اینکه ما راجع به مسائل خارجی و سیاست خارجی و استکبار و نمی‌دانم از این حرف‌های مکرر می‌گوییم، تکرار می‌کنیم در حرف‌های عمومی، در حرف‌های خصوصی، این به خاطر این است. نه اینکه ما با ارتباط با فلان کشور حالا کشور اروپایی، کشور آسیایی، آفریقایی، مخالفیم نه آنهایی که با بنده کار کردند می‌دانند بنده هیچ مخالفت که ندارم بلکه از اول مشوق این جور ارتباطات بودم...» (دیدار عیدانه جمعی از مسئولان کشور، ۱۳۹۵/۱/۲۴).

خلاصه‌ی کلام رهبر انقلاب این است که ما با داشتن روابط با کشورها مخالف نیستیم بلکه با ظلم و استکبار مخالف هستیم.

در قرآن هم سلطه‌گری نفی شده است و هم سلطه‌پذیری، چنانچه می‌فرماید: «لَا تَطْلُبُونَ
وَلَا تُظْلَمُونَ». (بقره/ ۲۷۹). خداوند متعال بر مبنای این آیه ستمگری و ستم‌پذیری را نفی نموده



است. اگرچه این آیه در مورد ربا است ولی می‌شود از آن یک حکمی کلی استخراج نمود و نتیجه گرفت که هر نوع ستمگری و ستم‌پذیری در اسلام نفی شده است، چنانچه آیت‌الله مکارم می‌گوید: «جمله «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» گر چه در مورد رباخواران آمده ولی در حقیقت یک شعار وسیع پرمایه اسلامی است که می‌گوید: به همان نسبت که مسلمانان باید از ستمگری به پرهیزند از تن دادن به ظلم و ستم نیز باید اجتناب کنند، اصولاً اگر ستم کش نباشد ستمگر کمتر پیدا می‌شود و اگر مسلمانان آمادگی کافی برای دفاع از حقوق خود داشته باشند کسی نمی‌تواند به آنها ستم کند باید پیش از آنکه به ظالم بگوییم ستم مکن به مظلوم بگوییم تن به ستم مده». (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۷۷/۵/۱۳۷۴).

از دیگر آیات قرآن که می‌شود با آن بر عدم پذیرش سلطه‌ی سلطه‌گران در سیاست خارجی مورد استناد قرار آیه ۱۴۱ سوره نساء است «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا». در این خداوند سبیل برای کافران بر علیه مؤمنان قرار نداده است. اگرچه در معنای این آیه بین مفسرین اختلاف است ولی علامه جوادی آملی می‌فرماید: «اگر اراده تشریحی مراد باشد، مضمون این جمله مخصوص دنیا خواهد بود؛ زیرا در قیامت مجال تشریح نیست. اما در صورت اراده تکوینی، مصداق کامل آن قیامت است؛ ولی در دنیا اگر مسلمانان با دو عنصر توحید مداری و وحدت محوری زندگی کنند، مصداق آیه‌ی مزبور خواهند بود». (جوادی آملی، تسنیم، ۱۷۵/۲۱/۱۳۹۸).

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». (فتح / ۲۹) از خصوصیات مؤمنین ایستادگی در مقابل ظلم است با کفار به شدت در ستیز است، مراد هر کافری نیست بلکه مقصود کفاری است که طغیان می‌کنند، ستمگر و ظلم پیشه‌اند. به دنبال سلطه‌گری هستند، زیرا در آیه ۸ ممتحنه خواندیم که اگر کفاری که با شما در ستیز نیستند، شما را از شهر و دیارتان اخراج نمی‌کنند و علیه دین شما توطئه نمی‌کنند، خداوند شما را از نیکی به آنها منع

نکرده است. که از جمع این دو آیه نتیجه گیری می شود که مراد از کفاری که محکم ایستادند در مقابل آنها از اوصاف اهل ایمان است، کفاری هستند که علیه مسلمین ستم روا می دارند و قصد سلطه بر آنها را دارند. بعد می فرماید: در بین خود مهربان هستند.

پس اینکه رهبر انقلاب مقاومت و ایستادگی در مقابل استکبار و مقابله با زیاده خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی را از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی می دانند، ریشه در قرآن دارد که نمونه ای قرآنی آن همین آیه است. «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا». (قصص/۸۳). خداوند در این به کسانی که ستم و ظلم می کنند غیر مستقیم می فهماند که آنها از بهشت محروم هستند؛ زیرا اگر آنها محروم نبودند قرار دادن بهشت برای کسانی که گردن فرازی و فساد را اراده نکردند، معنا ندارد. البته آنچه از این آیه استفاده می شود بلکه صریح در آن است، این می باشد که حتی اگر مرتکب فساد نشده باشد، همین که قصد فساد و طغیان را داشته باشد، از بهشت محروم می شود، چون می گوید: «لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا». اراده ی برتری طلبی و فساد نداشته باشند.

علامه طباطبایی در تفسیر «علوا و فساد». می گوید: «منظور از گردن فرازی این است که: بر بندگان خدا استعلا و استکبار بورزند، و منظور از فساد انگیزی این است که: خواستار گناهان و نافرمانی خدا باشند، چون خدای تعالی شرایعش را، که انسان ها را به آنها مکلف فرموده، بر اساس آنچه که فطرت و خلقت آنان اقتضاء دارد بنا نهاده، و فطرت انسان تقاضا ندارد مگر آن کار و آن روشی را که موافق با نظام اتم و احسن در حیات زمینی انسانهاست، پس هر معصیتی، بی واسطه و یا با واسطه در فساد این زندگی اثر دارد». (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۴/۱۶/۱۲۰).

آیت الله مکارم می گوید: «نه تنها برتری جوی و مفسد نیستند که «اراده» آن را نیز نمی کنند، قلبشان از این امور پاک، و روحشان از این آلودگی ها منزّه است. آنچه سبب

محروریت انسان از مواهب سرای آخرت می‌شود در حقیقت همین دو است، برتری جویی (استکبار) و فساد در زمین که همه گناهان در آن جمع است، چرا که هرچه خدا از آن نهی کرده حتماً برخلاف نظام آفرینش انسان و تکامل وجود بوده، بنابراین ارتکاب آن نظام زندگی او را بر هم می‌زند لذا مایه فساد در زمین است. حتی مسئله استعلاء و برتری جویی خود یکی از مصادیق فساد در ارض است، ولی اهمیت فوق‌العاده آن سبب شده است که به خصوص مطرح گردد». (نمونه، ۱۷۸/۱۶/۱۳۷۴).

خوب به هر صورت معنای هرچه که باشد، از ظاهر آن مبارزه و مقابله با استکبار به عنوان یک وظیفه برای امت و دولت اسلامی، قابل استخراج نیست برخلاف آیات قبل که وظیفه‌ی مسلمین و حکومت اسلامی را در برخورد با استکبار تعیین می‌کنند.

«یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ». (توبه / ۷۳). قرآن کریم در این آیه به پیامبر اکرم (ص) خطاب می‌کند با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت‌گیری کن. آنچه قابل توجه است این است که در این آیه از کلمه جهاد استفاده شده است نه از کلمه قتال و دلیلی آن این است که قتال مختص به جنگ و جهاد مسلحانه است ولی جهاد عام است و هر نوع رودرروی با کفار و دشمنان را در بر می‌گیرد.

اگرچه مفسرین در تفسیر این آیه اختلاف دارند ولی به نظر ما این آیه از آیاتی است که بر مقابله با متجاوزان و قلدران و زورگویان دلالت دارد و وظیفه‌ی مسلمین در برخورد با استکبار و ستم‌پیشگان را تعیین می‌کند. از نظر قرآن نه تنها با ستمگر سازش روا نیست بلکه مسلمان مکلف به جهاد است.

«إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». (ممتحنه/۹). خداوند متعال از دوستی با کسانی که مشخصات مذکور در آیه مبارکه را دارند منع می‌کند. اول اینکه تنها مخالف اعتقادی شما



نیستند بلکه به خاطر دینتان با شما می‌جنگند و شما را از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند و یا با کسانی که شما را از سرزمین تان بیرون می‌رانند همکاری می‌کنند. شما منع شده‌اید از دوستی با این افراد که به دنبال سلطه هستند، چه سلطه‌ی فرهنگی باشد و یا سلطه بر سرزمین و خاک تان. اگر با آنها دوست شدید بدانید که شما هم ظالم و ستمگر به حساب می‌آید. «وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ». مسلمان از داشتن رابطه‌ی ولای با کفار منع شده است و در این آیه کسانی را که با کفار سلطه‌گر دوستی برقرار می‌کنند، ظالم قلمداد نموده است. پس بر اساس این آیه حکومت اسلامی و ملت‌های مسلمان وظیفه دارند که با رژیم صهیونیستی و با کسانی که با این رژیم همکاری می‌کنند، مقابله کنند نه این که با آنها دوست شوند و افتخار کنند که توانسته‌اند با آمریکا و رژیم صهیونیستی رابطه برقرار کنند و آمریکا با آنها دوست است. اگرچه داشتن رابطه‌ی مسالمت‌آمیز با کفار و کسانی که با مسلمانان هم عقیده نیستند، ممنوع نیست ولی با سلطه‌گرو متجاوز ممنوع است. پس اگر رهبر انقلاب می‌گویند که ما با ظلم و طغیان مخالف هستیم، مستند به این آیه و آیات دیگر قرآن کریم است.

«وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ». و اگر برخلاف قسم‌ها و عهدهایی که بسته بودند رفتار کردند و رخنه کردند و طعنه زدند در دین شما پس مقاتله کنید با پیشوایان کفر محققاً آنها پایبند به قسم و عهد خود نیستند، شاید در اثر مقاتله دست از پیمان شکنی و نقض عهد و رخنه در دین و اعتقادات شما و از ایجاد شبهه بردارند. باره در این مقاله اشاره شد که جنگ با کفار و مقابله با آن از جهت کفر آن نیست بلکه اگر قرآن دستور جهاد و ستیز و نبرد با کفار را صادر می‌کند و دستور به جهاد داده است، به جهت سلطه‌گری و خوی استکباری و نقض عهد و پیمان است که آنها مرتکب می‌شوند.



در اطبیب البیان آمده است که «وَ طَعْنُوا فِي دِينِكُمْ» طعنه نیزه را گویند که سوراخ می کند بدن را و طعن در دین القاء شبهه است در قلوب مؤمنین و رخنه در دین است که امروز مبلّغین سوء نسبت بضعفاء اهل ایمان دارند و از این آیه استفاده می شود که واجب است با اینها مقاتله نمود بالخاص کسانی که در شئون ائمه القاء شبهه می کنند. «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ» رؤساء کفار که بقیه کفار تابع آنها هستند «إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ» پای بند به هیچ قرارداد و عهد و قسم نیستند «لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» از ترس شمشیر دست از مخالفت بردارند و رخنه در دین نکنند و برخلاف عهد و یمین قیام نکنند و لو اینکه ایمان نیاورند و اسلام اختیار نکنند و سرگذشت که تعبیر بلعل در کلام الهی بمعنی ترجی نیست، بلکه بمعنی ینبغی است که سزاوار است که منتهی شوند» (اطبیب البیان، ۱۳۷۸/۶/۱۸۵)

آنچه که در بیانات رهبر انقلاب بارها به آن اشاره گردید، این است که کافر به خاطر کافر بودنش قابل مجازات نیست بلکه از این جهت به آن مبارزه و مقابله رواست که طغیانگری و ستم پیشگی می کند و اگر خوی استکبار نداشته باشد و مستکبر نباشد، مبارزه و ستیز با آن روا نیست، چون زندگی مسالمت آمیز با آن ممکن است. در این مورد علامه جوادی آملی بیان زیبایی دارند. ایشان می فرمایند: «در عین حال که در سوره مبارکه «ممتحنه» رابطه با کافران را امضاء کرده است، در سوره «توبه و انفال» رابطه با مستکبران را امضاء نکرده است، چون با کافران زندگی مسالمت آمیز ممکن هست، زیرا وی گرچه اصول الهی را نمی پذیرد، اصولی انسانی را می پذیرد، اما مستکبر نه اصولی الهی را می پذیرد و نه اصول انسانی را. خوی استکباری پیمان شکنی است، از این رو قرآن در عین حال که فرمود شما می توانید با کافران زندگی مسالمت آمیز داشته باشید، خواسته است با مستکبران همواره در نبرد باشید؛ زیرا خوی آنها نقض عهد است». (روابط بین الملل در اسلام، ۱۳۸۸/۱۷۱).



پس این که رهبر انقلاب استکبارستیزی و مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی و به عبارت دیگر مقاومت را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی برگزیده‌اند، پشتوانه‌ی قرآنی دارد و بیش از ده‌ها آیه بر آن دلالت می‌کند.

نتیجه

موضوع این نگارش به مستندسازی قرآنی دیدگاه رهبر انقلاب در مورد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد که نتایج ذیل بدست آمد: یک سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی به سه اصل عزت، حکمت و مصلحت است که از اصولی ثابت و غیر قابل تغییر هستند. دوم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی حفظ عزم و ملی ضروری بوده و نباید سیاست خارجی جمهوری اسلامی به ذلت اسلام و مسلمین بی‌انجامد. سوم داشتن روابط خارجی برخلاف تبلیغاتی که علیه رهبر انقلاب صورت می‌گیرد از نظر رهبر انقلاب داشتن رابطه و گفتگو با هیچ کشوری جز آمریکا و رژیم صهیونیستی ممنوع نیست. چهارم مرزبندی با دشمن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه رهبر انقلاب لازم است و غفلت از آن موجب ضرر و زیان است. پنجم پرهیز از تشنج روابط با کشورهای غیر متخاصم از نظر رهبر انقلاب از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. ششم حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف به خصوص ملت مظلوم فلسطین. هفتم استکبارستیزی، مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی است که تمام این موارد از بیانات رهبر انقلاب بدست آمده و مستند به آیات قرآن کریم می‌باشند.



منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ۱) اسکندری، محمد، نگاه به مفهوم سیاست، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۸.
- ۲) بیانات رهبر انقلاب در بیست و سومین سالگرد رحلت امام (ره)، ۱۳۹۱/۳/۱۴.
- ۳) _____ در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.
- ۴) _____ در دیدار دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۲/۸/۱۲.
- ۵) _____ در دیدار عیدانه جمعی از مسئولان کشور، ۱۳۹۵/۱/۲۴.
- ۶) _____ در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۴/۱۹.
- ۷) _____ در دیدار وزیر و مسئولان وزارت خارجه و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور، ۱۳۶۸/۵/۳۱.
- ۸) _____ در سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار، ۱۳۶۸/۱۲/۱۰.
- ۹) _____ در ابتدای دولت یازدهم، ۱۳۹۲/۸/۱۲.
- ۱۰) _____ در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
- ۱۱) _____ در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۷/۴.
- ۱۲) _____ در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱.
- ۱۳) _____ در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۸/۴/۱۲.
- ۱۴) _____ در دیدار کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸/۱۱/۹.
- ۱۵) _____ در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۸/۱۱/۲۹.
- ۱۶) _____ در دیدار اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۹۷/۱۲/۲۳.
- ۱۷) _____ دیدار دست‌اندرکاران ستاد اقامه‌ی نماز، ۱۳۸۵/۶/۲۷.
- ۱۸) جوادی آملی، عبد الله، روابط بین الملل در اسلام، قم، اسراء، ۱۳۸۸.



- (۱۹) جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۹۸.
- (۲۰) خامنه‌ای، سید علی، بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷.
- (۲۱) _____، پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۳۶۸/۴/۱۴.
- (۲۲) _____، پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهاد دولت، ۱۳۷۸/۱/۱۹.
- (۲۳) _____، سخنرانی تلویزیونی رهبر انقلاب، در پایان محفل انس با قرآن کریم، ۱۳۹۹/۲/۶.
- (۲۴) _____، سیاست‌های کلی نظام ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۹/۱۵.
- (۲۵) _____، سیاست‌های کلی نظام، برنامه سوم توسعه، ۱۳۷۸/۲/۳۰.
- (۲۶) خوشوقت، محمدحسین؛ تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- (۲۷) سید طیب، عبدالحسین، اطیب‌البیان، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- (۲۸) طباطبایی، محمد حسین، المیزان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- (۲۹) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
- (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب، ۱۳۵۸/۸/۲۴.
- (۳۱) مقتدر، هوشنگ؛ مباحثی پیرامون سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی، تهران، انتشارات دانشکده علوم سیاسی و اجتماعی، ۱۳۵۸.
- (۳۲) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب السلامیه، ۱۳۷۴.
- (۳۳) پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر و آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ی